

سرمایه اجتماعی و برخی شاخص های مهم آن در قرآن کریم حسین محمدی^۱

چکیده

در ادبیات اقتصادی امروز، موضوع سرمایه اجتماعی و اثرات آن روی رشد و توسعه اقتصادی در بعد ملی یا منطقه ای به وفور مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و تقریباً همه محققان بر تاثیر مثبت و معنادار شاخص های مختلف سرمایه اجتماعی روی رشد و توسعه اقتصادی اتفاق نظر داشته اند. اگر چه در خصوص تعریف و شاخص های در نظر گرفته شده برای سرمایه اجتماعی اتفاق نظری جامع بین محققان این عرصه وجود نداشته است اما اکثر محققان بر اهمیت شاخص هایی چون اعتماد، مشارکت و همکاری، امنیت و آگاهی تاکید کرده اند. در این مقاله با رویکردی متفاوت و بر مبنای آیات قرآن کریم تلاش می شود سرمایه اجتماعی و یکسری شاخص های مطرح شده برای آن مورد بحث و بررسی قرار گیرد. هدف از انجام این مطالعه طرح این موضوع است که علی رغم آنکه ادبیات سرمایه اجتماعی در دنیای غرب سابقه چندان طولانی ندارد، سرمایه اجتماعی در قرآن با شاخص هایی مشخص بیان شده و از این رو موضوعات و شاخص های سرمایه اجتماعی برای مسلمانان و ایرانیان چندان قریب نبوده است و تعالیم قرآنی بر نقش و اهمیت شاخص های مختلف سرمایه اجتماعی در سعادت جوامع بشری تاکید داشته اند. از این رو بازبینی روابط اجتماعی بر مبنای تعالیم قرآن و گسترش دانش عمومی در این حوزه می تواند به افزایش سطح سرمایه اجتماعی در جامعه کمک شایانی کرده و از این طریق راه را برای عملکرد بهتر سرمایه های فیزیکی و انسانی در جهت رشد و توسعه اقتصادی کشور باز نماید. در این مقاله ۲۶ شاخص برای سرمایه اجتماعی با استفاده از تعالیم قرآن کریم شناسایی و مورد بحث قرار گرفته است.

واژه های کلیدی: قرآن کریم، سرمایه اجتماعی، شاخص های سرمایه اجتماعی، رفاه

۱- مقدمه

امروزه در کنار سرمایه های انسانی و اقتصادی، سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی (social capital) نیز مورد توجه قرار گرفته است. سرمایه اجتماعی یا بعد معنوی یک اجتماع، میراثی تاریخی است که از طریق تشویق افراد به «همکاری» و «مشارکت» در تعاملات اجتماعی، قادر است به حل میزان بیشتری از معضلات موجود در آن اجتماع، فائق آید و حرکت به سوی رشد و توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را امکان پذیر سازد. در واقع، سرمایه اجتماعی را می توان در کنار سرمایه های اقتصادی و انسانی، بخشی از ثروت ملی به حساب آورد که بستر مناسبی برای بهره برداری از سرمایه انسانی و فیزیکی بوده و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می شود. بدون سرمایه اجتماعی، هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه ای نمی رسد، به طوری که بسیاری از گروه ها، سازمان ها و جوامع انسانی، بدون سرمایه اقتصادی و صرفاً با تکیه بر سرمایه انسانی و اجتماعی توانسته اند به موفقیت دست یابند، اما هیچ مجموعه انسانی، بدون سرمایه اجتماعی نمی تواند اقدامات مفید و هدفمندی انجام دهد. از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی به زندگی فرد، معنی و مفهوم می

بخشد و زندگی را ساده تر و لذت بخش تر می کند. پس به طور کلی می توان گفت: هر چه سرمایه اجتماعی ملتی بیشتر باشد، آن ملت، خوشبخت تر و ثروتمندتر خواهد بود. بر خلاف اشکال مرسوم سرمایه، سرمایه اجتماعی با مصرف نقصان نمی یابد، بلکه با بلااستفاده ماندن کاهش می یابد.

برخی از ابعاد جنبه ها و شکل‌های سرمایه اجتماعی که گاه از آنها به عنوان ارزش های اجتماعی نیز یاد می شود عبارت اند از: اعتماد، صداقت، حس تفاهم، دوستی، همبستگی، فداکاری و بخشش یا کمک به دیگران. این ابعاد از طریق جریان های اطلاع رسانی مثل آموزش، تبادل اطلاعات، رسانه ها، مراکز علمی و تحقیقاتی، مشارکت های جمعی و سازمانی، گروه‌های مردمی و سایر جریان ها شکل می گیرد، به طوری که جای پای این بحث را در روابط تمامی گروه های اجتماعی از قبیل: مذهبی، ورزشی، مدنی، آموزشی، روابط همسایگی، شغلی و خانوادگی نیز می توان مشاهده کرد.

دانشمندان و نظریه پردازانی همچون: کلمن (۱۹۶۶)، لوری (۱۹۷۰)، بن پرات (۱۹۸۰)، ویلیامسون (۱۹۸۱)، بیکر (۱۹۸۳)، فوکویاما (۱۹۹۰) و پوتنام (۱۹۹۵) تعاریف متعددی را از سرمایه اجتماعی ارائه کرده اند. به عنوان مثال پوتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه ای از مفاهیمی مانند: اعتماد، هنجارها و شبکه ها می داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع می شود و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. او سرمایه اجتماعی را به عنوان وسیله ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی، در نظام های مختلف سیاسی می دانست و تأکید عمده وی بر مفهوم اعتماد بوده است. فوکویاما سرمایه اجتماعی را یک هنجار اجتماعی محسوب می کند که همکاری بین دو یا چند نفر را تقویت کرده و آن را ویژگی عمل متقابل بین دو فرد می داند. وی بیان می دارد که سرمایه اجتماعی پیشنیازی ضروری برای توسعه موفق است، اما برقراری نیرومند قانون و نهادهای زیربنایی سیاسی برای ساختن سرمایه اجتماعی ضروری هستند. وی معتقد است دموکراسی و رشد اقتصادی نیرومند، نیازمند سرمایه اجتماعی توانمند هستند.

بر این اساس سرمایه اجتماعی را به طور خلاصه می توان به معنای هنجارها و شبکه‌هایی دانست که امکان مشارکت مردم در اقدامات جمعی را به منظور کسب سود متقابل فراهم می کند. به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی مجموعه نهادها، قوانین، روش‌ها، عادات اجتماعی، سنت‌ها و قواعد رفتاری یک جامعه است که مناسبات اجتماعی بین مردم جامعه را شکل می دهد (رنانی، ۱۳۸۱).

۲- مطالعات انجام شده در خصوص موضوع

درخصوص اثر سرمایه اجتماعی و شاخص های مختلف آن روی رشد و توسعه اقتصادی در بعد ملی و منطقه ای مطالعات بسیار زیادی در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است. بدلیل تعدد و تنوع این مطالعات، در این قسمت خلاصه ای از مهمترین مطالعات انجام شده در داخل کشور ارائه می گردد.

شیرخانی و واسعی زاده (۱۳۹۰)، در بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی با مقایسه ایران و کره جنوبی به این نتیجه رسیده اند که ارتباطی معنادار بین پایین بودن سطح کلی سرمایه اجتماعی در ایران و ناکامی در دستیابی به اهداف توسعه ای کشور قابل مشاهده است. در مقابل بالا بودن سطح سرمایه اجتماعی در کره جنوبی نقشی مثبت در دستیابی کره به جایگاه ممتاز از نظر توسعه اقتصادی داشته است. یاروی و اسماعیلی (۱۳۹۰)، به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در کاهش میزان جرایم در کشور پرداخته اند.

نتیجه این پژوهش حاکی از آن است که روند کاهش سرمایه اجتماعی و به تبع آن افزایش جرایم در ایران مشاهده می‌گردد. محمدی، تعالی مقدم و بستام (۱۳۹۰) در پژوهش خود سطح سرمایه اجتماعی را در مناطق مختلف شهر مشهد اندازه‌گیری کرده‌اند و برای این منظور از شاخص‌های اعتماد، مشارکت، آگاهی و امنیت به عنوان شاخص‌های سرمایه اجتماعی استفاده نموده‌اند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که سطح سرمایه اجتماعی در شهر مشهد در حد متوسط بوده و کمترین سطح سرمایه اجتماعی مربوط به شاخص اعتماد است.

محسنی تبریزی و آقا محسنی (۱۳۸۹) به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه شهری پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که بین متغیرهای مستقل سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و درجه دینداری با توسعه شهری به عنوان متغیر وابسته، رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. نتایج مطالعه نادری، جاهد و شیرزاده (۱۳۸۹)، بیانگر آن است که هر چه میزان سرمایه اجتماعی در جامعه بیشتر باشد به همان میزان احساس امنیت نیز بیشتر خواهد بود.

ربانی، صدیق اورعی و خنده رو (۱۳۸۸) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که شرکت در مراسم مذهبی بیشترین تاثیر را در میزان سرمایه اجتماعی در سطح محلات مشهد دارد. معمار زاده، عطایی و اکبری (۱۳۸۸) در تحقیق خود به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در بهبود عملکرد کارکنان پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که کارکنان دارای سرمایه اجتماعی بالاتر دارای عملکرد بهتری هستند. سوری و مهرگان (۱۳۸۶)، با بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی به این نتیجه رسیده‌اند که کاهش سرمایه اجتماعی عاملی برای کاهش سرمایه انسانی می‌باشد.

سعادت (۱۳۸۵) در تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی در استانهای ایران، مذهب را به عنوان عنصر اصلی تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی قلمداد کرده و نتیجه گرفته است که استان یزد بیشترین سرمایه اجتماعی را بین سایر استان‌ها به خود اختصاص داده است. دینی ترکمانی (۱۳۸۵) در پژوهش خود بیان می‌دارد که سطح سرمایه اجتماعی در ایران در حال کاهش بوده و دلیل اصلی کاهش سرمایه اجتماعی در کشور را ضعف نظام حکمرانی می‌داند. ایشان میزان فساد را به عنوان شاخصی برای سرمایه اجتماعی در نظر گرفته است. فیروز آبادی و ایمانی جاجرمی (۱۳۸۵) به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی اجتماعی در شهر تهران پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که مناطق توسعه یافته تر از میزان بیشتری از اعتماد عمومی، آگاهی، مشارکت رسمی و مشارکت‌های غیر رسمی همیارانه برخوردارند.

نتایج تحقیق سوری (۱۳۸۴) حاکی از آن است که کاهش شاخص سرمایه اجتماعی رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را به طور معناداری کاهش می‌دهد. چلبی و مبارکی (۱۳۸۴) در تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطح خرد و کلان به این نتیجه رسیده‌اند که با کاهش سطح سرمایه اجتماعی، میزان جرم به طور معناداری افزایش می‌یابد.

از مجموع مطالعات انجام شده در خصوص موضوع سرمایه اجتماعی در ایران چند نکته مهم استنباط می‌گردد.

الف) سطح سرمایه اجتماعی با رشد و توسعه اقتصادی در بعد ملی و منطقه‌ای ارتباطی مثبت و معنادار دارد به این معنا که مناطق و کشورهای با سطح سرمایه اجتماعی بالاتر دارای سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و توسعه یافتگی بیشتری هستند. ب) کاهش سطح سرمایه اجتماعی موجب افزایش نااطمینانی، جرم و جنایت و

خشونت در جامعه شده و از این طریق نیز سرمایه گذاری و رشد اقتصادی را تحت تاثیر منفی قرار می دهد. ماهیت اجتماعی این سرمایه باعث می شود پیشگیری از کاهش آن به مراتب مقرون به صرفه تر از هزینه هایی باشد که برای مشکلات اجتماعی متعاقب آن باید پرداخت گردد. (ج) مطالعات اخیر در حوزه اقتصاد ایران حاکی از آن است که زنگ خطر کاهش سطح سرمایه اجتماعی در کشور به صدا درآمده است و از این بین شاخص هایی مثل امنیت و اعتماد با کاهش قابل توجهی مواجه بوده اند. دلیل این موضوع هر چه که باشد، شناخت این مساله و درک راه حل هایی جامع که منطبق بر الگوی اسلام و فرهنگ ایران باشد، می تواند از بحرانهای آتی در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پیشگیری نماید. (د) نقش مذهب و اعتقادات دینی به عنوان یکی از مولفه های تاثیر گذار بر سطح سرمایه اجتماعی در بسیاری از مطالعات به اثبات رسیده است (ربانی و همکاران، محسنی تبریزی و ...). با توجه به روحیه مذهبی موجود در ایران می توان با تبیین بهتر فرهنگ غنی قرآن و اسلام و آگاه سازی جامعه با تمامی ابعاد موضوع، پیامدهای آتی را تحت کنترل درآورد. در این مطالعه با رویکرد قرآنی تلاش شده است تا شاخص های سرمایه اجتماعی شناسایی شده و دیدگاه قرآن در این خصوص بیان گردد.

۳- شاخص های سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی مفهومی کیفی است و برخلاف سرمایه فیزیکی و یا حتی سرمایه انسانی، معیار دقیق و مشخصی برای آن ارائه نشده است و محققان مختلف در مطالعات خود، معیارهای متفاوتی را ارائه کرده اند. سرمایه های فیزیکی و انسانی حتی اگر از آنها استفاده نشود، به مرور زمان مستهلک می گردد و باید سرمایه گذاری های جدید حداقل به میزان استهلاک جهت تداوم تولید صورت پذیرد. اگر بپذیریم که سرمایه اجتماعی نیز همانند سایر اشکال سرمایه نقش موثری در فرایند تولید دارد، نباید از این قانون استهلاک مستثنی شود، به این معنا که سرمایه اجتماعی اگر افزایش نیابد و یا برای ترویج آن اقدامی صورت نپذیرد، رو به کاهش گذاشته و فرایند سرمایه گذاری و تولید را در کشور دچار اشکال می سازد. یکی از دلایل اصلی کاهش سطح سرمایه اجتماعی در یک جامعه آن است که اقدامات کاهش دهنده سطح سرمایه اجتماعی مثل فساد، تقلب، اختلاس، دروغ و شایعات، بیشتر از عوامل افزایش دهنده سطح سرمایه اجتماعی مثل عمل به احکام قرآن، صداقت و درستکاری در جامعه رواج پیدا می کند و به تدریج باعث می شود سطح سرمایه اجتماعی در جامعه کاهش یابد.

هر چند هنوز معیار دقیق و کاملی برای اندازه گیری و محاسبه میزان سرمایه اجتماعی ارائه نشده و راجع به ابعاد مختلف آن اختلاف نظرهایی وجود دارد اما در مجموع سرمایه اجتماعی فضای روابط بین افراد را در جامعه و محیط کار و نیز روابط آنها با دولت و سایر نهادهای مردمی را تشریح کرده و تا حدی اندازه گیری آن دشوار است. از این رو، می توان موضوع را از جنبه دیگری ملاحظه کرد. به جای سنجش و اندازه گیری سرمایه اجتماعی به عنوان یک ارزش مثبت، می توان نبود سرمایه اجتماعی یا به عبارت دیگر انحرافات اجتماعی از قبیل جرم و جنایت در یک شهر یا منطقه، فروپاشی خانواده، میزان قانون شکنی و تخلفات مثلا در عرصه ساخت و ساز، وضعیت رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی، میزان پرخاشگری و درگیری های خیابانی، میزان خیانت در امانت، تعداد چک های برگشتی، میزان مصرف مواد مخدر، وضعیت طلاق، میزان مهاجرت، میزان دعاوی و دادخواهی، میزان فرار از پرداخت مالیات، میزان خودکشی و نظایر آن را اندازه گیری کرد.

فرض بر این است که چون سرمایه اجتماعی وجود هنجارهای رفتاری مبتنی بر تشریک مساعی را منعکس می‌کند، انحرافات اجتماعی نیز به طور بالفعل بازتاب نبود سرمایه اجتماعی خواهد بود (فوکویاما، ۱۹۹۷). یعنی اگر در یک منطقه یا یک کشور همه این معیارها روندی صعودی داشت قطعاً باید گفت که سرمایه اجتماعی در حال کاهش است و افزایش یکی از این موارد الزاماً منعکس کننده کاهش سرمایه اجتماعی نیست چون در بعضی از مواقع ممکن است در منطقه‌ای یک معیار بنا به دلایل خاصی افزایش یابد (مثلاً طلاق افزایش یابد) اما بقیه ملاک‌ها روندی نزولی داشته باشند. پس باید این شاخص‌ها با همدیگر ملاحظه شوند. به نظر می‌رسد این ملاک‌ها معیارهای دست دوم است و به نوعی نشانگر وضعیت سرمایه اجتماعی در سطح خرد است. اگر بخواهیم سرمایه اجتماعی را در سطح کلان مورد بررسی قرار دهیم، باید به نحوه رفتار دولت و نهادهای برآمده از آن پردازیم که در این زمینه شاخص اعتماد بین شهروندان و حکومت و نهادهای حکومتی یکی از معیارهای مهم است. به عبارت دیگر باید بین اعتماد مابین افراد و میزان پایبندی افراد به قانون و مقررات با اعتماد افراد به نهادها و میزان پایبندی حکومت و نهادها به قانون و مقررات با اعتماد افراد به نهادها و مقررات تفاوت قائل شد. در مطالعات مختلف شاخص‌های متفاوتی برای سرمایه اجتماعی از این زاویه گزارش شده است. صرف نظر از تفاوت‌های جزئی موجود بین شاخص‌های سرمایه اجتماعی، همه این شاخص‌ها تلاش دارند میزان سرمایه بالقوه نهفته بین افراد را که روابط اجتماعی آنها را تسهیل می‌کند، اندازه‌گیری نمایند. برخی از شاخص‌های مهم در این زمینه عبارتند از:

۱. اعتماد: شامل اعتماد به افرادی مانند همسایه، همکار، فروشنده یک فروشگاه، یک هم کیش، پلیس، شهروند، هم استانی و هم میهن و خلاصه همه کسانی است که در زندگی روزمره با آنها در ارتباط هستیم.
۲. آگاهی: شاخص‌هایی چون میزان متوسط مطالعه مردم، حجم خرید روزنامه‌ها، اطلاعات شهروندان از مسائل سیاسی روز، میزان تبلیغات و اطلاعات عمومی و تخصصی مردم در این حوزه قابل تقسیم بندی است.
۳. مشارکت: شامل الف) مشارکت سیاسی: یعنی افراد یک جامعه تا چه حد در فعالیت‌های سیاسی بر له یا علیه حکومت شرکت دارند. راهپیمایی‌ها، اعتصابات، تحریم‌ها، تجمع‌ها، انقلاب سیاسی و نظایر آن شاخص‌هایی برای این نوع مشارکت هستند. میزان دخالت شهروندان در تصمیم‌گیری کشور نیز که معمولاً از طریق انتخابات آزاد صورت می‌گیرد، می‌تواند حاکی از مشارکت سیاسی شهروندان باشد. ب) مشارکت مدنی: یعنی افراد جامعه تا چه اندازه در انواع گروه‌های مذهبی، باشگاه‌های ورزشی، سازمان‌های جوانان، انجمن‌های اولیا و مربیان، مؤسسات خیریه، تعاونی‌ها و اتحادیه‌ها، فرهنگسراها و نظایر آن فعالیت می‌کنند. ج) مشارکت مذهبی: مذهب نقش خیلی مهمی در سرمایه اجتماعی ایفا می‌کند. افراد بر حسب دین و مذهبی که دارند، ممکن است با یکدیگر مشارکت داشته باشند. مثلاً فعالیت در امور مساجد و تکایا، کلیساها و یا اماکن مذهبی و زیارتی می‌تواند مبدای برای آشنایی، مشارکت و ارتباط بیشتر افراد با یکدیگر شده و سطح سرمایه اجتماعی را افزایش دهد.
۴. امنیت: بدیهی است که هر چه سطح سرمایه فیزیکی و حتی انسانی در جامعه‌ای بالا باشد، وجود امنیت برای سرمایه‌گذاری و رشد آن جامعه از ضروریات است. امنیت در ابعاد مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی یکی از جنبه‌های دیگر سرمایه اجتماعی است.

۵. پیوندهای اجتماعی: جنبه های غیر رسمی سرمایه اجتماعی می پردازد، مانند: تعداد دوستان یک فرد، میزان معاشرت فرد با دوستان خود در محیط اداری و خارج از آن، مشارکت در بازی های گروهی، دیدار از فامیل و نظایر آن در این حوزه قابل تقسیم بندی است.

۶. بخشش و روحیه کمک: عضویت در سازمان های غیردولتی خدمات انسان دوستانه و همکاری افراد با نهادهای خیریه به صورت مالی و فکری و صرف وقت، دست گیری از افراد مستمند از موارد این بخش است.

شاخص سرمایه اجتماعی موسسه لگاتیوم

برای ارائه تصویر بهتری از موضوع سرمایه اجتماعی، دیدگاه موسسه لگاتیوم که در زمینه جمع آوری و ارائه آمار و اطلاعات در خصوص شاخص های رفاه فعالیت می نماید، ذکر می گردد. طبق دیدگاه موسسه لگاتیوم (۲۰۱۱)، سرمایه اجتماعی یکی از اجزاء تشکیل دهنده موفقیت و رفاه در یک کشور است. شبکه های اجتماعی و همبستگی بین مردم یک جامعه اثرات مثبت و مستقیم روی رفاه یک کشور دارد. شاخص سرمایه اجتماعی عملکرد یک کشور را در دو حوزه اندازه گیری می نماید:

۱- همبستگی و مشارکت (تعهد) اجتماعی

۲- شبکه های اجتماعی و خانوادگی

این شاخص نشان می دهد که چطور عواملی مثل کمک های داوطلبانه افراد، کمک به آسیب دیدگان، و بخشش به موسسات خیریه روی اقتصاد و رضایت از زندگی توده مردم اثر گذار است. علاوه بر این شاخص مذکور در خصوص سطح اعتماد در یک جامعه و شیوه ای که اعتماد شهروندان به یکدیگر، ازدواج و یا گرایشات مذهبی می تواند شبکه هایی را ایجاد کند که رفاه افراد را افزایش دهد بحث می نماید.

مطالعات تجربی در این خصوص نشان می دهد که سرمایه اجتماعی به شکل گسترش اعتماد عمومی، الزامات خانوادگی و اجتماعی و عضویت در گروههای اجتماعی و اجتماعات مذهبی می تواند وضعیت رفاه یک کشور را بهبود بخشد. استفاده از واژه سرمایه برای بحث سرمایه اجتماعی منعکس کننده این واقعیت مهم است که شبکه ها و روابط اجتماعی افراد، دارایی هایی هستند که می توانند دارای بازدهی اقتصادی بوده و رفاه را افزایش دهند.

متغیرهای زیرشاخص سرمایه اجتماعی به همراه درجه اثر گذاری آنها روی رضایت از زندگی (موسسه

لگاتیوم، ۲۰۱۱)



این متغیرها به ترتیب عبارتند از: قابلیت اعتماد به دیگران، اهمیت دوستان، امانتداری دیگران، عضویت در مجامع هنری، عضویت در مجامع ورزشی، عضویت در مجامع محیط زیستی، عضویت در مجامع مذهبی، میزان بخشش، اهمیت مذهب، کمک به غریبه ها، وضعیت تاهل، فعالیت های داوطلبانه.

شاخص سرمایه اجتماعی ارائه شده توسط موسسه لگاتیوم یک شاخص ترکیبی است که متغیرهای آن و درجه اهمیت هر کدام از متغیرها در شاخص کلی در نمودار ستونی فوق نشان داده شده است.

با کاهش و افول سرمایه اجتماعی، شاهد تبعیض، نابرابری، مهاجرت، عدم حس اعتماد عمومی، کاهش مشارکت اجتماعی، افول امور خیریه، افزایش انحرافات و اعتیاد و فروپاشی خانواده و شکاف بین نسلی خواهیم بود که برای برطرف سازی آنها هزینه های اجتماعی و اقتصادی بسیار زیادی باید صرف شود. از این رو از آنجا که شناخت وجود یک مساله مهمترین گام در حل مساله به شمار می آید، باید پذیرفت در حوزه های مربوط به سرمایه اجتماعی و شاخص های آن مسائلی در جامعه اسلامی ایران وجود دارد که باید تمامی امکانات را برای حل این مسائل بکار برد تا بعدا درمان تبعات این مسائل، باعث نشود وظایف اصلی حاکمیت در حاشیه قرار گیرد. مثل همیشه پیشگیری بهتر از درمان است و برای پیشگیری شناخت وجود مساله و بررسی راه حل ها ضرورت دارد.

واقعیت آن است که اگر چه مفهوم سرمایه اجتماعی به همراه شاخص های متعدد ذکر شده برای آن، سابقه ای کمتر از سه دهه در ادبیات اقتصادی و اجتماعی غرب دارد، اما این مفهوم به همراه شاخص های آن برای هیچ فردی گنگ و ناشناخته نیست و مخصوصا برای ایرانیان با فرهنگ غنی و تمدن اسلامی پیشرو، این مفهوم به همراه شاخص های آن جزء ارزش های والای انسانی به شمار آمده که می تواند موجب ترقی فرد و جامعه شود.

این مفهوم برخلاف بسیاری از مفاهیم علوم انسانی غربی، واژه ای کاملا آشنا و سازگار با فرهنگ اسلام و ایران است و به همین دلیل پذیرش آن در جامعه و گسترش ابعاد آن می تواند بسیار سریع و موثر اتفاق افتد. از این رو در این مقاله هدف آن است که سرمایه اجتماعی را از بعد قرآن کریم مورد بررسی قرار داده و برخی

شاخص‌های آنرا از لحاظ قرآن کریم مورد بررسی قرار دهیم تا مشخص شود تا چه حد آیین اسلام و قرآن می‌تواند در شناسایی ابعاد این سرمایه مهم به جوامع مسلمان کمک نماید. بدیهی است که هر چه یک ایده یا موضوع علمی با فرهنگ، آیین و تاریخ یک کشور بیشتر سنخیت داشته باشد می‌تواند اثر گذاری مثبت بیشتری داشته باشد.

۴- شاخص‌های سرمایه اجتماعی در قرآن کریم

قرآن کریم در آیات مختلف و بنا به موضوعات متفاوت شاخص‌های مختلفی برای پیشرفت مادی و معنوی افراد و جوامع مسلمان ارائه کرده است که همخوانی زیاد این شاخص‌ها با شاخص‌های مطرح شده توسط محققان خارجی و داخلی برای سرمایه اجتماعی، این نتیجه را حاصل می‌سازد که ساخت یک سرمایه غنی برای خود فرد و اجتماع از لحاظ معنوی، مورد تاکید قرآن کریم بوده است. در این بخش برخی شاخص‌های مهم ذکر شده در این حوزه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱- کمک به دیگران و احترام به حقوق سایر افراد:

آیات متعددی در قرآن کریم اهمیت موضوع کمک به نیازمندان را مورد تاکید قرار داده است از جمله: وَ يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا (انسان، ۸) إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا (انسان، ۹): و غذای (خود) را با این که به آن علاقه (و نیاز) دارند، به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند. (و می‌گویند): ما شما را برای خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و تشکری از شما نمی‌خواهیم. این برنامه منحصر به مسأله اطعام نیست که تمام اعمالشان مخلصانه و برای ذات پاک خداوند است و هیچ چشمداشتی به پاداش مردم حتی تقدیر و تشکر آن‌ها نیست و اصولاً در اسلام، ارزش عمل به خلوص نیت است و گرنه اعمالی که انگیزه‌های غیر الهی داشته باشند، خواه ریاکارانه باشد و یا به خاطر هوای نفس و یا تشکر و قدردانی مردم یا پاداش مادی، هیچ‌گونه ارزش معنوی و الهی ندارد. در جای دیگر می‌فرماید: وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا (نساء، ۳۶): و خدا را پرستید و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید، همچنین به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و همسایه نزدیک و همسایه دور و دوست و همنشین و واماندگان در سفر و بردگانی که مالک آن‌ها هستید، زیرا خداوند کسی را که متکبر و فخر فروش است (و از ادای حقوق دیگران سرباز می‌زند) دوست نمی‌دارد.

مشخصاً در این آیات ارزش و اهمیت موضوع کمک به سایر انسانها از جمله والدین، خویشاوندان، یتیمان، مسکینان، اسیران، همسایه‌ها و در راه ماندگان اشاره شده است. از این رو بحث کمک به سایر افراد جامعه از ارزشهای متعالی قرآن کریم است که در آیات متعدد و دیگری از قرآن کریم نیز به آنها اشاره شده است. در این دو آیه علاوه بر کمک موضوعات دیگری چون اخلاص برای خدا و نیز پرهیز از تکبر و غرور نیز اشاره شده است.

در خصوص موضوع احترام به حقوق سایر افراد نیز آیات متعددی در قرآن کریم وجود دارد از جمله: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ

أَثَقِيكُمُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (حجرات، ۱۳): ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم، تا یکدیگر را بشناسید، ولی گرمی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست، خداوند دانا و خیراست.

در این آیه بین مردم رابطه نزدیکی برقرار شده است (خلقت از یک مرد و زن) و سپس اشاره شده است که گرمی‌ترین شما نزد خداوند باتقوی‌ترین شما است. از این رو ثروت، شهرت، مقام و مواردی نظیر آن معیار برتری انسان نیست و فقط تقوی معیار برتری انسانها است و از این رو باید همواره نسبت به دیگران با دیده احترام نگریست چون ممکن است تقوی بیشتری داشته و نزد خداوند ارزش بالاتری داشته باشند.

۴-۲- انفاق و بخشش:

در آیات متعددی از قرآن کریم در خصوص دستگیری از افراد مستمند چه افراد آشنا و چه غیر آشنا توصیه‌های فراوانی شده است. از جمله: الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (آل عمران، ۱۳۴): همان‌ها که در توانگری و تنگدستی، انفاق می‌کنند و خشم خود را فرومی‌برند و از خطای مردم درمی‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد. در موردی دیگر می‌فرماید: وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (بقره، ۱۷۷): نیکوکاران، مال (خود) را با علاقه‌ای که به آن دارند، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان انفاق می‌کنند، نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و به عهد خود — به هنگامی که عهد بستند — وفا می‌کنند، در برابر محرومیت‌ها و بیماری‌ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند، این‌ها راست می‌گویند (و گفتار و رفتار و اعتقادشان هماهنگ است) و این‌ها پرهیزگاران هستند.

در آیه ۱۷۷ سوره بقره، پس از ایمان، به مسأله انفاق و ایثار و بخشش‌های مالی اشاره می‌کند و می‌گوید: مال خود را با تمام علاقه‌ای که به آن دارند، به خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان می‌دهند. بدون شک گذشتن از مال و ثروت برای همه کس کار آسانی نیست، مخصوصاً هنگامی که به مرحله ایثار برسد، چراکه حب آن تقریباً در همه دل‌ها است. جالب این‌که در این‌جا شش گروه از نیازمندان ذکر شده‌اند؛ در درجه اول بستگان و خویشاوندان آبرومند و در درجه بعد یتیمان و مستمندان، سپس واماندگان در راه، بعد سائلان و سرانجام به بردگان اشاره می‌کند.

در آیه ای دیگر می‌فرماید: وَ أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَ مَا تَقَدَّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَ أَكْثَمَ أَجْرًا وَ اسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (مزمل، ۲۰): و به خدا قرض الحسنه دهید (در راه او انفاق نمایید) و (بدانید) آن‌چه از کارهای خیر را برای خود از پیش می‌فرستید، نزد خدا به بهترین وجه و بزرگ‌ترین پاداش خواهید یافت و از خدا آمرزش طلبید که خداوند غفور و رحیم است. در این آیه انفاق و بخشش به قرض دادن به خداوند تشبیه شده است تا مومنان بدانند که انفاق معامله با خداست و این فرهنگ اصیل در روح و جان آنها ریشه نماید.

۴-۳- همکاری و تعاون:

خداوند در آیه دوم از سوره مائده می فرماید: وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَ لَاتَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ: و (همواره) در راه نیکی و پرهیزکاری با هم تعاون کنید و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننماید و از خدا بپرهیزید که مجازاتش شدید است. بدیهی است که امور نیک و خوب دامنه گسترده ای از فعالیت های بشری را فرا می گیرد. از کار و کسب حلال گرفته تا همکاری برای ساخت یک کشور همگی جزء این امور به حساب می آید. در ادامه اشاره شده است که در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید چون این همکاری باعث انحراف تعداد بیشتری از افراد شده و مسلماً تاثیر آن بر اجتماع بیشتر است.

۴-۴- مشورت (مشارکت جمعی):

در آیات مختلفی از قرآن کریم لزوم مشورت مسلمانان با یکدیگر در جهت اتخاذ تصمیم و سپس قاطعیت در اجرای تصمیم تاکید شده است. از جمله: فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُضِّتَ مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (آل عمران، ۱۵۹): به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان (مردم) نرم (و مهربان شدی) و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بطلب و در کارها با آنان مشورت کن اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش و) بر خدا توکل کن زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد. در این آیه مباحث متنوعی در خصوص رفتار پیامبر اسلام به عنوان الگوی مسلمین ذکر شده است که در ادامه توصیه به مشورت با آنها شده است.

در جای دیگری اشاره می فرماید: وَ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (شوری، ۳۸): و آنها که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا داشته و کارهایشان به طریق مشورت در میان آنها صورت می گیرد و از آنچه به آنها روزی داده ایم انفاق می کنند. در این آیه بر اهمیت همزمان مشورت و انفاق تاکید شده است و نشان می دهد که افرادی که دعوت خداوند را جواب داده و ایمان می آورند در انجام کارهایشان مشورت کرده و مشارکت جمعی را بر تک روی ترجیح می دهند. این مساله در امور مهم حکومتی مثل تصمیم گیری های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نیز عرصه های مختلف اجتماعی مثل انتخابات و مجالس قانون گذاری نیز می تواند مصداق داشته باشد.

۴-۵- برابری و برادری:

در آیات مختلفی از قرآن کریم اشاره شده است که مومنان با یکدیگر برادرند و معیار برتری آنها صرفاً تقوی و اطاعت از دستورات الهی است. می فرماید: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (حجرات، ۱۰): مؤمنان برادر یکدیگرند، بنابراین میان دو برادر خود صلح برقرار سازید و تقوای الهی پیشه کنید تا مشمول رحمت او شوید.

در آیه دیگری می فرماید: وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا ... (آل عمران، ۱۰۳): و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و هرگونه وسیله وحدت) چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل های شما، الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر شدید.

از این رو طبق نظر قرآن مومنان و مسلمانان با یکدیگر برادرند و چطور ممکن است بین برادران به جز اختلافات سطحی و نه چندان طولانی، مسائلی خلاف مصلحت اجتماعی بروز نماید.

۴-۶- آگاهی و آموزش:

در آیات مختلفی از قرآن کریم نسبت به آگاهی و علم و نیز آموزش تاکید شده است. مثلاً در آیات اول سوره قلم به قلم و آنچه می نویسد قسم یاد می کند: ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ (قلم، ۱): ن ، سوگند به قلم و آنچه را با قلم می نویسد. قلم در واقع منشأ پیدایش تمام تمدن‌های انسانی، پیشرفت و تکامل علوم، بیداری اندیشه‌ها و افکار، شکل‌گیری مذهب‌ها و سرچشمه هدایت و آگاهی بشر است. عظمت این سوگند هنگامی آشکارتر می‌گردد، که توجه داشته باشیم آن روزی که این آیات نازل گشت، نویسنده و ارباب قلمی در آن محیط وجود نداشت و اگر کسانی مختصر سواد خواندن و نوشتن را داشتند، تعداد آن‌ها در کل سرزمین مکه که مرکز عبادی و سیاسی و اقتصادی حجاز بود، به بیست نفر نمی‌رسید، آری سوگند به قلم یاد کردن در چنین محیطی عظمت خاصی دارد. در جای دیگری می‌فرماید: إِفْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (علق، ۳ الی ۵): بخوان که پروردگارت از همه بزرگوارتر است، همان کسی که به وسیله قلم تعلیم نمود و به انسان آنچه را نمی‌دانست، یاد داد.

و به این ترتیب اهمیت آموزش و یادگیری را برای همگان روشن می‌سازد در جای دیگر می‌فرماید: رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (بقره، ۱۲۹): پروردگارا، در میان آن‌ها پیامبری از خودشان مبعوث کن، تا آیات تو را بر آن‌ها بخواند و آن‌ها را کتاب و حکمت بیاموزد و پاکیزه کند، زیرا تو توانا و حکیمی (و بر این کار قیادری). و یا: فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (بقره، ۲۲): برای خدا شریک‌هایی قرار ندهید، در حالی که می‌دانید. همچنین: وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (بقره، ۴۲): و حق را با باطل نیامیزید و حقیقت را با این که می‌دانید، کتمان نکنید .

از این رو مساله علم و دانش و آگاهی به وفور در آیات قرآن کریم ذکر شده است تا جایی که در آیه ۲۸ سوره فاطر می‌خوانیم: إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ: تنها علما و ارباب معرفت از خدا می‌ترسند اشاره شده است که: فقط بندگان آگاه نسبت به خداوند خاشع هستند و این موضوع اهمیت زیاد مساله علم ، دانش و آگاهی را در قرآن کریم بیان می‌دارد.

۴-۷- عدالت:

در خصوص رعایت عدالت در رفتار، تشخیص و حتی سخن گفتن در قرآن کریم آیات مشخصی وجود دارد که بیانگر اهمیت فوق العاده زیاد این موضوع است. می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا غَدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (مائده، ۸): ای کسانی که ایمان آورده‌اید همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید ، دشمنی با جمعیتی شما را به گناه ترک عدالت نکشاند، عدالت کنید که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است و از خدا پرهیزید که از آن چه انجام می‌دهید آگاه است.

قرآن کریم در مورد عدالت تا آنجا حساسیت به خرج می‌دهد که حتی عدالت را در گفتار نیز توصیه می‌نماید: وَ أَوفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَأَنْكَلِفُ نَفْسًا إِيَّاهُ وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كَانَ ذَاقُرْبَىٰ وَ بَعَثَ اللَّهُ أَوْفُوا

ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (انعام ، ۱۵۲): حق پیمانانه و وزن را به عدالت ادا کنید، هیچ کس را جز به مقدار توانایی تکلیف نمی کنیم و هنگامی که سخنی می گوئید، عدالت را رعایت نمایید، حتی اگر در مورد نزدیکان بوده باشد، این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می کند تا متذکر شوید .

وَإِنْ حَكَمْتَ فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (مائده، ۴۲): و اگر میان آن ها داوری کنی با عدالت داوری کن که خدا عادلان را دوست دارد .

۴-۸- وفای به عهد:

وفای به عهد و پیمان از جمله تعهدات مالی مثل وام یا قرض و یا امانت ها از جمله مواردی است که هم موجب گسترش اعتماد در جامعه شده و هم زیربنای یک اجتماع سالم و فرهنگ زنده و متعالی است. در قرآن کریم آیات متعددی در این خصوص وارد شده است از جمله: وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (اسراء، ۳۴): به عهد (خود) وفا کنید که از عهد سؤال می شود. در جای دیگر: وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ (معارج، ۳۲ و مومنون، ۸): و آن ها که امانت ها و عهد خود را رعایت می کنند. امانت معنی وسیعی دارد که نه تنها امانت های مادی مردم را از هر نوع دربرمی گیرد ، بلکه امانت های الهی و را نیز شامل می شود . هریک از نعمت های الهی امانتی از امانات او است ، پست های اجتماعی و خصوصاً "پست حکومت" از مهم ترین امانات است.

در جای دیگری می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ (مائده، ۱) ای کسانی که ایمان آورده اید به پیمان ها و قراردادهای وفا کنید. در آیه ۱۷۷ سوره بقره نیز به عنوان یکی از ویژگی های نیکوکاران اشاره شده است که: و الموفون بعهدهم اذا عاهدو. به این ترتیب وفای به عهد و پیمان به کرات در آیات قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته است.

سرمایه زندگی اجتماعی ، اعتماد مقابل افراد جامعه است و از جمله گناهایی که رشته اطمینان و اعتماد را پاره می کند و زیربنای روابط اجتماعی را سست می نماید ، ترک وفای به عهد است.

۴-۹- پرهیز از تقلب و یا کم فروشی:

یکی از مشکلاتی که باعث کاهش اعتماد عمومی به کالاهای یک کشور می شود، تقلب، کم فروشی، نداشتن کیفیت لازم کالا، عدم تعهدات برای کالا و نظایر آن است که بتدریج باعث می شود دید عموم کلاً نسبت به یک کالا یا یک کشور تولید کننده کالا تغییر پیدا نماید. این هزینه زیاد بابت منافع کوتاهمدتی است که برخی با تقلب یا کم فروشی بدست می آورند و در قرآن کریم و در آیات متعدد نهی از کم فروشی یا تقلب شده است. وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَ زِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا (اسراء، ۳۵): به هنگامی که پیمانانه می کنید حق پیمانانه را ادا نمایید و با ترازوی درست وزن کنید این برای شما بهتر و عاقبتش نیکوتر است. در جایی دیگر با لحنی تهدیدآمیز می گوید: وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَ إِذَا كَالُوا لَهُمْ أَوْ وَزَنُوا لَهُمْ يُخْسِرُونَ، أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ (مطففين، ۱ الی ۴): وای بر کم فروشان آن ها که به هنگام خرید، حق خود را به طور کامل می گیرند و به هنگام فروش از کیل و وزن کم می گذارند، آیا گمان نمی کنند که در روز عظیمی برانگیخته خواهند شد، روز رستاخیز در دادگاه عدل خدا. در آیات دیگری از قرآن نیز تعبیرات مشابهی شده است. مثلاً: در آیه ۱۵۲ سوره انعام می فرماید وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ

بِالْقِسْطِ. همگی این موارد حاکی از تاکید زیاد اسلام بر مساله صداقت و پرهیز از تقلب در ارائه کالا یا خدمت است.

۴-۱۰- کار شایسته و عمل صالح:

در قرآن کریم هر جا صحبت از ایمان است، بعد از آن به عمل صالح و کار خوب نیز اشاره شده است. بدین مفهوم که ایمان بدون عمل چندان مفید فایده نیست و انسان باید تعالیم دینی را در عمل پیاده نماید. وَ الْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (عصر ۱ الی ۳): به عصر سوگند، که انسان‌ها همه در زیانند مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده‌اند.

در جای دیگری می فرماید: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ (مائده ۹): خداوند به آن‌ها که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند وعده آمرزش و پاداش عظیمی داده است. همچنین: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا (۳۰ کهف): مسلماً کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهیم کرد. از این رو مومنان باید عمل صالح را در سرلوحه امور زندگی خود قرار داده و با این عمل صالح زندگی جمعی و اجتماعی مسلمانان قطعاً بهبود یافته و طرز نگرش آنها باعث می شود سطح سرمایه اجتماعی افزایش یابد.

۴-۱۱- تفکر، اندیشه و یاد خداوند :

قرآن کریم در آیات متعدد مردم را به تفکر و اندیشه در نشانه های خود دعوت می کند و از آنها می خواهد با فکر و اندیشه و یاد خداوند زندگی داشته باشند. می فرماید: الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (آل عمران، ۱۹۱): همان‌ها که خدا را در حال ایستاده و نشسته و آنگاه که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند و در اسرار آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند (و می‌گویند): بارالها! این‌ها را بیهوده نیافریدی منزهی تو، ما را از عذاب آتش، نگاه دار .

در خصوص اهمیت اندیشه آیات بسیاری در قرآن کریم است که با تعقلون یا تفکرون از مردم دعوت می کند تا به تفکر و اندیشه بپردازند. مثلاً می فرماید: أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (بقره، ۴۴): آیا مردم را به نیکی و ایمان دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمایید با این‌که شما خودتان کتاب (آسمانی) را می‌خوانید ، آیا هیچ فکر نمی‌کنید ؟ یا : قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ (آل عمران، ۱۱۸): ما آیات و نشانه ها را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید. همچنین: وَ هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ لَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (مومنون، ۸۰): او کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند و آمد و شد شب و روز از او است ، آیا اندیشه نمی‌کنید ؟ اهمیت این تفکر و اندیشه و یاد خداوند در همه حال از آنجا است که غفلت از آنها موجب آسیب های فردی و اجتماعی است و از این رو می توان از اجزای سرمایه اجتماعی یک ملت میزان شناخت آنها از موضوعات مختلف و تفکر و اندیشه و خلاقیت آنها برای کشف موضوعات جدید و افزودن بر ایمان آنها است.

۴-۱۲- اعتماد و پرهیز از خیانت

در خصوص اعتماد و عدم خیانت نیز آیات متعددی در قرآن کریم وجود دارد که البته در برخی موارد با آیات مربوط به وفای به عهد شباهت دارد. در خصوص اجتناب از خیانت می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمْنَتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (انفال، ۲۷): ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خدا و پیامبر خیانت نکنید و (نیز) در امانات خود خیانت روا مدارید در حالی که متوجهید و می دانید که نباید خیانت کنید. همچنین: وَمَنْ يُغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ: هرکس خیانت کند، روز رستاخیز، آن چه را در آن خیانت کرده، با خود به صحنه محشر می آورد (آل عمران، ۱۶۱)

و در ضمن توصیه شدید شده است که از سوگندها برای وسیله ای برای توجیه خیانت و کاهش اعتماد استفاده نشود: وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَ تَذُوقُوا السُّوَاءَ بِمَا صَدَقْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (نحل، ۹۴): سوگندهای خود را وسیله تقلب و خیانت در میان خود قرار ندهید، مبادا گام‌های ثابت (بر ایمان) متزلزل گردد و به خاطر بازداشتن (مردم) از راه خدا آثار سوء آن را بچشید و برای شما عذاب عظیم خواهد بود.

چون هنگامی که شما عهد و پیمان ببندید و سوگند و قسم یاد کنید، اما قصد وفای بر آن را نداشته باشید و این امر را تکرار کنید، سرمایه اعتماد مردم نسبت به شما از میان می‌رود و عده‌ای از ایمان آوردگان در ایمانشان، سست و متزلزل می‌شوند. در حقیقت پیمان شکنی‌ها و تخلف از سوگندها، از یک سو موجب بدبینی و تنفر مردم از آیین حق و پراکندگی صفوف و بی‌اعتمادی می‌گردد، تا آنجا که مردم رغبت به پذیرش اسلام نشان نمی‌دهند و اگر پیمانی با شما بستند خود را ملزم به وفای به آن نمی‌دانند و این خود مایه ناراحتی‌های فراوان و شکست و تلخ‌کامی در دنیا است.

روشن است که نفوذ هرگونه خیانت و تقلب در امر معاملات نیز، پایه‌های اطمینان و اعتماد عمومی را که بزرگ‌ترین پشتوانه اقتصادی ملت‌ها است، متزلزل و ویران می‌سازد و ضایعات غیر قابل جبرانی برای جامعه به بار می‌آورد.

در ادامه راهکار قرآن برای جلوگیری از کاهش اعتماد عمومی به صورت زیر است: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْلَمُونَ (صف، ۲): ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟ از بدترین بلاهایی که ممکن است بر یک جامعه مسلط شود، بلای سلب اطمینان است و عامل اصلی آن جدایی گفتار از کردار است، مردمی که می‌گویند و عمل نمی‌کنند، هرگز نمی‌توانند به یکدیگر اعتماد کنند و در برابر مشکلات هماهنگ باشند، هرگز برادری و صمیمیت در میان آن‌ها حاکم نخواهد شد و هرگز ارزش و قیمتی نخواهند داشت و هیچ دشمنی از آن‌ها حساب نمی‌برد. بنابراین هماهنگی گفتار و کردار مخصوصاً برای مسئولین یک جامعه می‌تواند راهکار موثری در جهت کاهش اعتماد عمومی به حساب آید.

۴-۱۳- شناخت انسان از خودش و احترام به خودش به عنوان یک موجود الهی:

اگر هر فرد اصلاح شود و زمینه اصلاح دیگران فراهم باشد، بتدریج یک جامعه اصلاح خواهد شد. یکی از موثرترین روش‌های اصلاح فرد آن است که وی با شخصیت و اصالت خود آشنا شود. قرآن کریم در آیات متعدد خواسته است انسان خود را بشناسد و ارزش و قدر خود را بداند جایی که می فرماید: وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ

اسْجُدُوا لِادَمَ فَسَجَدُوا اِلَّا اِبْلِيسَ (بقره، ۳۴): و هنگامی که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده و خضوع کنید و همگی بجز ابلیس سجده کردند. در اینجا قدر و منزلت انسان را بسیار بالا می برد. در آیه ۲۹ سوره حجر می فرماید: فَادَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوْحِي فَقَعُوْا لَهٗ سَاجِدِيْنَ: هنگامی که آفرینش آدم را نظام بخشیدم و از روح خودم (روح شایسته‌ای که مخلوق من بود) در آن دمیدم، برای او سجده کنید. یعنی انسان روح خدایی دارد و مسجود فرشتگان واقع شده است پس قدر و منزلت والایی دارد. در ادامه در آیات ۶۰ و ۶۱ سوره یس چنین می خوانیم اَلَمْ اَعْهَدْ اِلَيْكُمْ يَا بَنِي اٰدَمَ اَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ اِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ وَاَنْ اَعْبُدُوْنِي هَهٰذَا مُسْتَقِيْمًا: ای فرزندان آدم مگر با شما پیمان نبستم که شیطان را پرستش نکنید (به دستورات او عمل ننمایید) و مرا پرستش کنید، این همان صراط مستقیم است. یعنی حرکت در مسیر مستقیم پیمانی است که خداوند از انسان گرفته است و اگر انسان همواره خداوند را همراه خود و ناظر بر خود ببیند باید در رفتار خود تجدید نظر نماید. وَ هُوَ مَعَكُمْ اَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَ اللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ (حدید، ۴): و او با شما است هر جا که باشید و خداوند نسبت به آن چه انجام می دهید، بینا است.

آیات فوق سند زنده و گواه روشنی بر شرافت انسان و عظمت مقام او است به راستی کسی که لایق مقام خلافت الهی و نمایندگی او در زمین است و استعداد تکامل و پیشرفت را دارد، می تواند با شناخت خود و احترام به خودش در جهت ساختن جامعه ای بهتر و سالم تر برای خود و دیگران مشارکت سازنده داشته باشد. خداوند به انسانهای مومن هشدار می دهد که خود را بشناسند و مراقب رفتار خود باشند. يَاۡٓيٰٓهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا عَلَيْكُمْ اَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ اِذَا اهْتَدٰۤى اِنَّهٗ اِلٰى اللّٰهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيْعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ (۱۰۵، مائده): ای کسانی که ایمان آورده‌اید مراقب خود باشید، هنگامی که شما هدایت یافتید گمراهی کسانی که گمراه شده‌اند به شما زبانی نمی‌رساند، بازگشت همه شما به سوی خدا است و شما را از آن چه عمل می کردید آگاه می‌سازد.

۴-۱۴- امنیت و جلوگیری از فساد:

در آیات متعددی از قرآن کریم در خصوص پرهیز ایجاد و گسترش فساد تاکید شده است. از جمله: وَ لَا تُفْسِدُوْا فِی الْاَرْضِ بَعْدَ اِصْلَاحِهَا وَاذْعُوْهُ خَوْفًا وَطَمَعًا اِنَّ رَحْمَتَ اللّٰهِ قَرِيْبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِيْنَ (اعراف، ۵۶): و در زمین فساد مکنید بعد از آن که اصلاح شده است و او را با بیم و امید بخوانید زیرا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است. در ادامه در آیه ۸۵ همین سوره می فرماید: فَاَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيْزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوْا النَّاسَ اَشْيَاۡءَهُمْ وَ لَا تُفْسِدُوْا فِی الْاَرْضِ بَعْدَ اِصْلَاحِهَا ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ (اعراف، ۸۵): نابراین حق پیمانانه و وزن را ادا کنید و از اموال مردم چیزی نگاهید و در روی زمین بعد از آن که اصلاح شده است فساد نکنید، این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید.

در ادامه می فرماید: يٰۤاَقْرَبَ لِلرِّحْقِ حَرِيْمٌ وَ اَقْرَبَ لِلزُّلْمِ الْحَرِيْمُ وَ اَقْرَبُ لِلظُّلْمِ وَالْجَوْرِ الْحَرِيْمُ وَ اَقْرَبُ لِلظُّلْمِ وَالْجَوْرِ الْحَرِيْمُ (هود، ۸۵): و ای قوم! پیمانانه و وزن را با عدالت وفا کنید و بر اشیاء (و اجناس) مردم عیب مگذارید و از حق آنان نگاهید و در زمین فساد مکنید. فساد از طریق کم فروشی، فساد از طریق غصب حقوق مردم مثل اختلاس و سوء استفاده از قدرت و ثروت، تجاوز به حق دیگران، برهم زدن میزانها و مقیاسهای اجتماعی، فساد از طریق عیب گذاشتن بر اموال و اشخاص و بالاخره فساد به خاطر تجاوز به حریم حیثیت و آبرو و ناموس و جان مردم. همگی اینها مظاهری هستند که در قرآن بر اجتناب از آنها شدیداً تاکید شده است.

اما چرا علی رغم شعارهای موجود در زمینه مبارزه با مفاسد، عملاً دستاوردها ناچیز بوده و فساد به اشکال مختلف در برخی جوامع رشد می نماید. قرآن کریم در این خصوص می فرماید: *ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ* (روم، ۴۱): فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند، ظاهر می شود و خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمال آن‌ها را به آن‌ها بچشاند، شاید (به سوی حق) بازگردند. از این آیه نتیجه می شود که گسترش فساد و کاهش امنیت در نتیجه اعمال خود مردم و مسئولین یک کشور است و تا خود آنها عزمی جدی در مقابله با آن نداشته باشند، این موضوع گسترش یافته و به شدت اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی را کاهش می دهد.

۴-۱۵- پرهیز از اختلاف و تفرقه:

برای ساخت جامعه ای سالم نیاز به اتحاد، همدلی و پیشگیری از تفرقه و اختلاف است. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: *وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اِخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَ اُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ* (آل عمران، ۱۰۵): و مانند کسانی نباشید که پس از آنکه دلایل و نشانه های روش برای آنها آمد، پراکنده شدند و اختلاف کردند و آن‌ها عذاب عظیمی دارند. در شاخص قرآنی پنجم نیز آیه: *وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا* (آل عمران، ۱۰۳) که بر پرهیز از تفرقه و اتحاد حول ریسمان الهی دور می زند اشاره شد. بدیهی است که هر چه میزان همبستگی و اتحاد بین مردم در یک جامعه بیشتر باشد، دلسوزی آنها نسبت به مسائل جامعه بیشتر بوده و از این رو همفکری و مسائدت آنها برای ساخت جامعه ای بهتر بیشتر است و این موضوع از ضروریات سرمایه اجتماعی است.

۴-۱۶- امر به معروف و نهی از منکر:

به هر دلیلی که انحرافات از مسیر قرآن و اسلام در جامعه اسلامی رخ دهد، برای مخدوش نشدن سرمایه اجتماعی مردم، باید افرادی باشند که دعوت به کار خیر کرده و از منکرات نهی نمایند. در این خصوص قرآن کریم می فرماید: *وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ* (آل عمران، ۱۰۴): باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آن‌ها همان رستگارانند. علاوه بر این: *كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ* (آل عمران، ۱۱۰): شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند، (چه این که) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید. داعیان به معروف و ناهیان از منکر مثل نگهبانان و دیده بانانی هستند که خطرات را تشخیص داده و جامعه را از آنها مطلع می سازند تا سرمایه اجتماعی مومنان کاهش نیابد. البته در این مسیر خودشان باید عمل کننده به دستورات خداوند باشند.

۴-۱۷- پرهیز از سستی و توصیه به تلاش و توکل بر خداوند:

یکی از زیانبارترین معضلاتی که ممکن است دامن یک جامعه را بگیرد گرفتار شدن به سستی و تنبلی و عادت به بیکاری و کسب مال بدون رنج و زحمت است که شیوع آن مشکلات اقتصادی و اجتماعی دیگری را نیز در جامعه رقم می زند. در این زمینه ترویج دلالتی بدون بازده، کاهش تولید اقتصادی، کسب ثروت های

بادآورده، ترویج فقر و عدم تلاش نتایجی است که گریبان آن جامعه را خواهد گرفت. قرآن کریم در آیات مختلفی به مومنان توصیه می کند که سستی و تنبلی نکرده و در تصمیمات خود به خداوند تکیه و توکل نمایند و با تلاش در جهت رضای خداوند حرکت نمایند. از جمله می فرماید: إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيَهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (آل عمران، ۱۲۲): زمانی را که برخی از شما تصمیم گرفتند سستی نشان دهند و خداوند پشتیبان آن‌ها بود (و به آن‌ها کمک کرد که از این فکر باز گردند) و افراد با ایمان باید تنها بر خدا توکل کنند.

در جایی دیگر تکلیف را بر مسلمانان تمام کرده و به آنها توصیه می کند که در تمامی امور بر خدا توکل کرده چون اگر او بخواهد مومنان را یاری کند، کسی نمی تواند مانع شود. جایی که می فرماید: إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (آل عمران، ۱۶۰): اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد (پس حرکت و تلاش نمایید) و اگر دست از یاری شما بردارد، کیست که بعد از او، شما را یاری کند؟ و مؤمنان تنها بر خداوند باید توکل کنند.

و نیز: وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران، ۱۳۹): سست نشوید و غمگین نگردید و شما برترید اگر ایمان داشته باشید. در جای دیگری می فرماید: وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ (تغابن، ۳): هر کس به خداوند توکل و اعتماد نماید، خداوند برایش کافی است.

لازم به ذکر است که توکل بر خدا و تقدیر روزی تضادی با تلاش‌ها ندارد. نباید از آیاتی که در زمینه تقدیر و اندازه‌گیری روزی به وسیله پروردگار آمده، چنین استنباط کرد که تلاش‌ها و کوشش‌ها نقشی در این زمینه ندارد و این‌ها را بهانه تنبلی و فرار از زیر بار مسؤلیت‌ها و مجاهدت‌ها در مقیاس فرد و اجتماع قرار داد، که این پندار بر ضد آیات فراوانی از قرآن مجید است که سعی و کوشش و تلاش را معیار موفقیت‌ها شمرده است. هدف این است که با تمام تلاش‌ها و کوشش‌ها باز به روشنی می‌بینیم دست دیگری نیز در کار است که گاه نتیجه تلاش‌ها بر باد می‌رود و گاه به‌عکس، تا مردم فراموش‌نکنند در پشت عالم اسباب دست قدرت «مُسَبَّبُ الْأَسْبَابِ» کار می‌کند و در هر حال محرومیت‌های ناشی از تنبلی و سستی را هرگز نباید به حساب تقسیم روزی از ناحیه خداوند گذارد، چراکه خود فرموده: روزی را به تناسب تلاش‌ها وسعت می‌دهم و لیس للانسان الا ما سعی. در جای دیگر مردم را به تلاش دعوت کرده، می‌گوید: هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ (ملک، ۱۵): او کسی است که زمین را تسلیم و خاشع در برابر شما قرار داد تا بر پشت آن راه روید و از رزق آن استفاده کنید.

۴-۱۸- مسئولیت انسانها در تمامی شئون زندگی و رفتارها:

اگر انسان یقین حاصل کند که در برابر هر گفتار، کردار و رفتارش مسئولیت دارد قطعا در بسیاری از این رفتارها تجدید نظر خواهد کرد و به این ترتیب راه برای ساخت جامعه ای سالم تر هموار می گردد. قرآن کریم می فرماید: وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (اسراء، ۳۶): از آن چه نمی‌دانی پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل‌ها همه مسؤل هستند. تنها از علم و دانش می توانی پیروی کنی. در مسائل اعتقادی، گفتار، شهادت، قضاوت، عمل، رفتار همگی باید با شناخت باشد زیرا انسان در مورد تمامی اعمالش مسئولیت دارد.

۴-۱۹- پرهیز از خوردن مال مردم:

در آیات مختلف قرآن هشدارهای شدیدی در خصوص ضایع کردن مال مردم یا خوردن مال یتیمان داده شده است از جمله: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَ لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (۲۹ نساء):** ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید، مگر این که تجارتی با رضایت شما انجام گیرد و خودکشی نکنید (تلاش برای زندگی)، خداوند نسبت به شما مهربان است. به این ترتیب هرگونه تصرف در مال دیگری که بدون حق و بدون یک مجوز منطقی و عقلایی بوده باشد ممنوع شناخته شده و همه راتحت عنوان «باطل» که مفهوم وسیعی دارد قرار داده است. در آیه ۱۱۸/بقره، جمله «**لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ**» را به عنوان مقدمه‌ای برای نهي از کشاندن مردم به وسیله ادعاهای پوچ و بی‌اساس به سوی دادگاه‌ها و خوردن اموال آن‌ها ذکر فرموده است. بنابراین هرگونه تجاوز، تقلب، غش، معاملات ربوی، معاملاتی که حد و حدود آن کاملاً نامشخص باشد، خرید و فروش اجناسی که فایده منطقی و عقلایی در آن نباشد، خرید و فروش وسایل فساد و گناه، ضایع کردن مال مردم و حیف و میل بیت المال همه در تحت این قانون کلی قرار دارند.

در خصوص اموال یتیمان قرآن کریم بسیار قاطع عمل کرده و می‌گوید: **إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا (نساء، ۱۰):** کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می‌خورند، (درحقیقت) تنها آتش می‌خورند و به زودی در شعله‌های آتش (دوزخ) می‌سوزند.

۴-۲۰- پرهیز از یاس و ناامیدی (امید به آینده و حرکت برای ساخت جامعه):

قرآن کریم در موارد متعدد بیان کرده است که نباید از لطف و رحمت خداوند ناامید بود و دست از تلاش و حرکت برداشت. بدین ترتیب قرآن کریم برای همه مسلمانان امید که اصلی ترین عامل حرکت و رشد انسان است را به عنوان ارزشی بزرگ مطرح کرده است، جایی که می‌فرماید: **وَ لَا تَأْيِسُوا مِنَ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْيِسُ مِنَ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ (یوسف، ۳۱):** از رحمت خدا مأیوس نشوید که از رحمت خدا جز قوم کافر مأیوس نمی‌شوند. یعنی بکوشید و مأیوس نشوید که یأس نشانه کفر است و قدرت او مافوق همه مشکلات و سختی‌ها است و تنها کافران بی‌ایمان که از قدرت خدا بی‌خبرند از رحمتش مأیوس می‌شوند.

در مورد دیگری می‌فرماید: **وَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ لِقَائِهِ أُولَئِكَ يَئِسُوا مِنْ رَحْمَتِي وَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (عنکبوت، ۲۳):** کسانی که به آیات خدا و لقای او کافر شدند، از رحمت من مأیوسند و برای آن‌ها عذاب دردناکی است.

در این آیات و آیات مشابه، ناامیدی مترادف با کفر است و از این رو در جامعه مومنان نباید و نمی‌تواند روحیه ناامیدی ترویج پیدا کند. در این زمینه هر چه مردم امید به زندگی و تلاش و توکل بیشتری داشته باشند، می‌توانند در جهت ساختن جامعه ای بهتر، همکاری کرده و فضا را برای رشد شخصی و اجتماعی فراهم نمایند.

۴-۲۱- صداقت (پرهیز از دروغ) و درستکاری:

در خصوص اهمیت صداقت و درستکاری نیز در قرآن مجید آیات متعددی است از جمله: **إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ (یوسف، ۸۸):** خداوند متصدقان را پاداش می‌دهد. همچنین: **مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا**

اللَّهِ عَلَيْهِ (احزاب، ۲۳): گروهی از مؤمنان کسانی هستند که در عهد و پیمانی که با خدا بسته‌اند صادق هستند و بر سر پیمان خود ایستادند و بلافاصله در آیه ۲۴ می‌فرماید: «لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَ يُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ: هدف این است که صادقین را در برابر صدقشان پاداش دهد و منافقین را هرگاه بخواهد عذاب کند و یا توبه آن‌ها را بپذیرد.

در جایی دیگر می‌فرماید: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (حجرات، ۱۵): مؤمنان واقعی کسانی هستند که ایمان به خدا و رسولش آورده‌اند و با مال و جان در راه خدا جهاد کرده‌اند، این‌ها صادقین هستند.

به این ترتیب روشن است که منظور از صادقین کسانی می‌باشند که در میدان حمایت از آیین خدا و جهاد و ایستادگی در برابر مشکلات و بذل جان و مال، صداقت و راستگویی خود را به ثبوت رسانده‌اند. در خصوص رفتار مومنان نیز قرآن کریم می‌فرماید: يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ (آل عمران، ۱۱۴): در انجام کارهای نیک، پیشی می‌گیرند و آن‌ها از صالحانند.

۴-۲۲- پرهیز از سایر رذایل اخلاقی و مشکلات تربیتی:

قرآن کریم به دنبال ساخت جامعه‌ای سالم و سرشار از سرمایه انسانی و اجتماعی به مومنان توصیه می‌کند از رذایل اخلاقی پرهیز کرده و با تقویت ایمان و توکل بر خداوند بر مسائلی چون بخل، ریا، غیبت و نظایر آن غلبه نمایند.

برخی از این موارد به شرح ذیل است.

بخل و حسد: لَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا أْتَيْهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (آل عمران، ۱۸۰): کسانی که بخل می‌ورزند و آن‌چرا خدا از فضل خویش به آنان داده، انفاق نمی‌کنند، گمان نکنند این کار به سود آن‌ها است، بلکه برای آن‌ها شر است، به زودی در روز قیامت، آن‌چه را نسبت به آن بخل ورزیدند، همانند طوقی به گردنشان می‌افکنند و میراث آسمان‌ها و زمین، از آن خدا است و خداوند، از آن‌چه انجام می‌دهید آگاه است. بدگمانی و غیبت: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَابَ بَعْضُكُمُ بَعْضًا يَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ (حجرات، ۱۲): ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید چراکه بعضی از گمان‌ها گناه است و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید و هیچ‌یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ (به یقین) همه شما از این امر کراهت دارید، تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است.

در خصوص گمان بد نسبت به خداوند نیز می‌فرماید: يَطَّئُونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ (آل عمران، ۱۵۴): آن‌ها گمان‌های نادرستی همچون گمان‌های دوران جاهلیت درباره خدا داشتند و می‌گفتند: آیا چیزی از پیروزی نصیب ما می‌شود.

خودنمایی: فَلَا تُرْكُوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى (نجم، ۳۲): پس خودستایی نکنید چراکه او پرهیزکاران را بهتر می‌شناسد.

ریا و اجتناب از منت گذاشتن: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْتَغُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (قره، ۲۶۴): ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بخشش‌های خود را با منت و آزار باطل نسازید، همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم، انفاق می‌کند و به خدا و روز رستاخیز ایمان نمی‌آورد (کار او) همچون قطعه سنگی است که بر آن (قشر نازکی از) خاک باشد (و بذرهایی در آن افشاندن شود) و رگبار باران به آن برسد، (و همه خاک‌ها و بذرها را بشوید) و آن را صاف (و خالی از خاک و بذر) رها کند، آن‌ها از کاری که انجام داده‌اند، چیزی به دست نمی‌آورند و خداوند جمعیت کافران را هدایت نمی‌کند.

غرور و تکبر: یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ (انفطار، ۶): ای انسان چه باعث شده است در برابر خدای کریم مغرور باشی. و همچنین: وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا (اسراء، ۳۷): روی زمین با تکبر راه مرو، تو نمی‌توانی زمین را بشکافی و طول قامتت هرگز به کوه‌ها نمی‌رسد؟ بدیهی است که غرور موجب کاهش پیوندها و صله رحم موجب تقویت پیوندهای اجتماعی است.

بدون شک هر کار خلافی در وضع جامعه و از طریق آن در وضع افراد اثر می‌گذارد و موجب نوعی فساد در سازمان اجتماعی می‌شود. خلاف و قانون شکنی و کاهش انواع سرمایه‌های اجتماعی همانند یک غذای ناسالم و مسموم است که در سازمان بدن انسان چه بخواهیم و چه نخواهیم، تأثیر نامطلوب خواهد گذارد و انسان گرفتار واکنش طبیعی آن می‌شود. «دروغ» سلب اعتماد می‌کند، «خیانت در امانت» روابط اجتماعی را برهم می‌زند، «ظلم» همیشه منشأ ظلم دیگری است، «سوء استفاده از آزادی» به دیکتاتوری می‌انجامد و تراکم کینه‌ها و عداوت‌ها، اساس جامعه را متزلزل می‌سازد.

راهکار قرآن کریم برای اجتناب از کاهش سرمایه اجتماعی و گرفتار شدن جامعه با مشکلات ناشی از آن تقوای الهی و پرهیز از رفتار نامناسب در اجتماع است جایی که می‌فرماید وَ لِيُخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (نساء، ۹): کسانی که اگر فرزندان ناتوانی از خود به‌یادگار بگذارند از آینده آنان می‌ترسند، باید (از ستم درباره یتیمان مردم) بترسند، از (مخالفت) خدا پرهیزند و سخنی استوار بگویند.

قرآن برای برانگیختن عواطف مردم در برابر وضع یتیمان اشاره به حقیقتی می‌کند که گاهی مردم از آن غافل می‌شوند و آن این‌که: شما با یتیمان مردم همان‌گونه رفتار کنید که دوست می‌دارید با یتیمان شما در آینده رفتار نمایند چقدر به آینده فرزندان خود علاقمندید؟ همان اندازه نسبت به فرزندان و یتیمان دیگران علاقمند باشید و از ناراحتی آن‌ها ناراحت شوید. اصولاً مسایل اجتماعی همواره به شکل یک سنت از امروز به فردا و از فردا به آینده دور سرایت می‌کند، آن‌ها که سنت ظالمانه‌ای در اجتماع می‌گزارند و مثلاً رسم آزار به یتیمان را در جامعه رواج می‌دهند، در حقیقت خود عاملی هستند که در آینده با فرزندانشان نیز چنین شود، بنابراین نه تنها به فرزندان دیگران ستم می‌کنند، بلکه راه ستمگری را به فرزندان خود نیز هموار می‌سازند. بنابراین آن‌ها که اساس ظلم و ستم بر ایتم را در اجتماع می‌گذارند بالاخره روزی این بدعت غلط، دامان فرزندان خود آن‌ها را خواهد گرفت و در حقیقت این موضوع یکی از آثار وضعی و تکوینی اعمال

آن‌ها است و اگر به خداوند نسبت داده می‌شود به خاطر آن است که تمام آثار تکوینی و خواصّ و معلول به او منسوب است و به هیچ وجه ظلم و ستمی از ناحیه خداوند بر کسی نخواهد شد. بنابراین بهترین راهکار برای رفتار فرد در اجتماع آن است که خود را به جای طرف مقابل گذاشته و کاری که دوست ندارد با وی انجام دهند را با سایر افراد انجام ندهد.

۵- نتیجه گیری

نقش سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن روی رشد و توسعه منطقه ای و ملی موضوعی غیر قابل انکار است و اکثر مطالعات انجام شده در این حوزه تاثیر مثبت و معنادار این متغیر و شاخص‌های آن را روی عملکرد اقتصادی به اثبات رسانده‌اند. محققان اقتصادی و اجتماعی خارجی و داخلی، شاخص‌های مختلفی را برای سرمایه اجتماعی پیشنهاد کرده‌اند که مهمترین آنها اعتماد، مشارکت، آگاهی، امنیت، پیوندهای اجتماعی و کمک به دیگران است.

برای مسلمانان ایران و جهان شاخص‌های سرمایه اجتماعی موضوعات بیگانه ای نمی‌باشند بلکه کاملاً مطابق و هماهنگ با قرآن کریم بوده و قرآن شاخص‌هایی را در ۱۴۰۰ سال پیش مطرح کرده است که بسیار دقیقتر و کاملتر از شاخص‌های ارائه شده در طول سه دهه اخیر توسط محققان خارجی است. شاخص‌هایی چون عدالت، انفاق، برادری، تفکر، دانش، شناخت خود، صداقت، تعاون، کمک و احترام به دیگران، مشورت، وفای به عهد، اعتماد، کار شایسته و خوب، مسئول بودن، تلاش و توکل بر خدا، امر به معروف و نهی از منکر و همچنین پرهیز از مواردی چون: تفرقه، سستی، تقلب، کم فروشی، ناامیدی، فساد، ضایع کردن مال مردم، ریا، حسد، غیبت، خودنمایی، بدگمانی و غرور به عنوان برخی از شاخص‌های مهمی است که قرآن کریم در جهت ساخت انسان سالم و جامعه ای سالم و توانمند ارائه کرده است. در حوزه مسائل مربوط به سرمایه اجتماعی، نمی‌توان شاخصی را یافت که قرآن کریم مستقیم یا غیرمستقیم به آن اشاره ای نداشته باشد که این موضوع بیانگر حساسیت قرآن به مباحث و موضوعات اجتماعی مسلمانان است.

در قرآن کریم راجع به مباحث مربوط به رابطه انسانها در اجتماع و کسب و ارتقای سرمایه اجتماعی تاکید فراوانی شده است زیرا اساساً انسان یک موجود اجتماعی است و برای تکامل و رشد مادی و معنوی خود نیازمند بهبود شاخص‌های اجتماعی مطرح شده در اجتماع بوده و از ردایب اخلاقی و اجتماعی باید اجتناب نماید. اگر یک جامعه در جهت ارتقای این سرمایه‌ها اقدام نکند، در جهت تخریب آنها پیش خواهد رفت و ظهور فساد و انواع مشکلات در جوامع به خاطر کاهش انواع سرمایه‌های اجتماعی است که به آنها اشاره شد.

از این رو و به مصداق آیه ۳۶ سوره اسراء یعنی لزوم پیروی از علم و دانش و نیز مسئولیت سنگین انسان در مقابل رفتار و اعمالش، وظیفه محققین و پژوهشگران محترم در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، بیان و تفسیر تا حد امکان دقیق احکام ناب دینی و قرآنی و هماهنگ سازی آنها با موضوعات و مفاهیم علمی روز است تا جامعه اسلامی در پرتو رهنمودهای قرآن بتواند مسیر رشد و پیشرفت را طی کرده و مسئولیت مهم خود یعنی رساندن پیام قرآن و اسلام واقعی به همه دنیا را به خوبی به انجام برساند. در این طریق، مسئولیت نهادهای تصمیم‌گیری نیز همان است که در دستورات کلی قرآن کریم در این مقاله به آن اشاره شده است. مشورت، پیروی از دانش و علم، احساس مسئولیت، صداقت، تلاش و همکاری و پیشگیری از فساد می‌تواند ضامن موفقیت تصمیم‌گیران جامعه اسلامی باشد.

پیشنهاد مشخص این پژوهش آن است که با هم اندیشی بیشتر محققان این حوزه و ایجاد یک مرکز علمی تحت عنوان مرکز پژوهش‌های سرمایه اجتماعی قرآنی که البته می‌تواند بخشی از سازمان‌های پژوهشی موجود نیز باشد، نسبت به معرفی یک شاخص جامع برای سرمایه اجتماعی بر مبنای تعالیم قرآنی اقدام گردد و این شاخص ترکیبی به عنوان یک کار جدید و قرآنی، به ادبیات اقتصادی و اجتماعی جهان معرفی نمود. این شاخص ترکیبی می‌تواند مواردی نظیر امید به زندگی (مخالف ناامیدی)، میزان مشارکت و مشورت شهروندان در فعالیت‌های اجتماعی (مثل تعداد انتخابات)، میزان کمک و انفاق (کمک‌های خیریه) در جامعه، میزان فساد (شاخص‌های موجود)، وفای به عهد و پیمان‌ها (مثل تعداد چک‌های برگشت شده و نظایر آن)، میزان انتشار دانش (مثلاً سطح سواد)، توزیع عادلانه ثروت و امکانات در جامعه و نظایر آن را در برداشته باشد و مثل بسیاری از شاخص‌های ترکیبی موجود در دنیا مورد استفاده پژوهشگران این عرصه قرار گیرد. اگر چه تمامی شاخص‌های قرآنی ارائه شده در این مقاله را می‌توان با تهیه پرسشنامه‌هایی برای یک منطقه یا یک جامعه خاص استخراج کرد ولی تهیه شاخص‌هایی جامع که در بردارنده تمامی مفاهیم قرآنی سرمایه اجتماعی بوده و برای تمامی کشورها قابل محاسبه باشد، می‌تواند کمک بیشتری را در ترویج فرهنگ قرآنی در سطح دنیا داشته باشد.

به هر حال با ارتقای سطح سرمایه اجتماعی در جامعه، امنیت و آرامش بر فضای جامعه مومنان سایه افکنده و در زیر سایه آن فعالیت‌ها رونق بیشتری گرفته و مصالح دنیوی و اخروی آنها تامین می‌گردد. زیرا: هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَ لِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (فتح، ۴): او کسی است که سکینه و آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمانشان افزوده شود، لشکر آسمان‌ها و زمین از آن خداست و خداوند دانا و حکیم است. این آرامش و امنیت خاطر بهترین ثمره بهبود سرمایه اجتماعی در جامعه مومنان است و خداون نیز طبق وعده خود به مومنان کمک خواهد کرد. والسلام

منابع:

- بیستونی محمد، تفسیر جوان قرآن کریم، جزء اول تا سی ام، ۱۳۸۷.
- دینی ترکمانی علی، تبیین افول سرمایه اجتماعی، نشریه رفاه اجتماعی زمستان ۱۳۸۵. 147-171: (23)6
- سعادت رحمان، تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی استان‌ها، رفاه اجتماعی، زمستان: (23)6: 1385
- سوری علی، سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی، تحقیقات اقتصادی تابستان 108-87: (69)-: 1384
- سوری علی و مهرگان نادر، نقش سرمایه اجتماعی در تشکیل سرمایه انسانی، پژوهشنامه بازرگانی بهار 207-219: (42)11: 1386
- شیرخانی و واسعی زاده، سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی بررسی مقایسه ای ایران و کره جنوبی، فصلنامه سیاست- مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی تابستان ۱۳۹۰؛ ۴۱(۲): ۲۱۳-۲۳۲
- حسن زاده ثمرین تورج و مقیمی سیدمحمد، اثر سرمایه اجتماعی بر تعالی سازمانی، مطالعات مدیریت راهبردی پاییز ۱۳۸۹. 123-143: (3)1
- چلبی مسعود، مبارکی محمد، تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان، مجله جامعه شناسی ایران، تابستان ۱۳۸۴. 3-44: (2)6
- فیروز آبادی سید احمد و ایمانی جاجرمی، حسین، سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی- اجتماعی در کلان شهر تهران ، رفاه اجتماعی زمستان ۱۳۸۵. . 197-224: (23)6

ربانی خوراسگانی علی، صدیق اورعی غلامرضا و خنده رو مهدی، بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل موثر بر شکل گیری آن در سطح محله، نشریه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد پاییز و زمستان ۱۳۸۸؛ ۶(۲): معمارزاده طهران غلامرضا، عطایی محمد، اکبری احمد، بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر بهبود عملکرد کارکنان، مدیریت توسعه و تحول پاییز ۱۳۸۸، ۱۵-۹(۳):۱

محسنی تبریزی علیرضا و آقامحسینی مریم، بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه شهری؛ مورد پژوهشی: شهر محلات، مدیریت شهری پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ۱۶۲-۱۴۷(۲۶):۸ ;

محمدی حسین، تعالی مقدم آزاده و بستام مرتضی، برآورد سطح سرمایه اجتماعی در مناطق مختلف شهر مشهد، فصلنامه مدیریت شهری، ویژه نامه شماره ۲۷، ۱۳۹۰.

یاوری بافقی امیر حسین و اسماعیلی احمد رضا، بررسی نقش سرمایه اجتماعی در کاهش میزان جرایم، توسعه انسانی پلیس خرداد و تیر ۱۳۹۰، ۳۰-۱۱(۳۵):

نادری حمد اله، جاهد محمد و شیرزاده مهین دخت، بررسی رابطه احساس امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی شهر اردبیل) مطالعات امنیت اجتماعی بهار ۱۳۸۹؛ ۲۱(۲۱):۵۹-۸۷.

Social capital and its indicators in Holy Quran

Abstract:

In economic literature the effect of social capital on economic growth and development has been studied in many papers and almost of researchers demonstrated the positive relation between social capital indexes and economic welfare. Although dissension for the definition and indicators of social capital among researchers in this field, there is a comprehensive consensus on the most important indicators such as trust, partnership and collaboration, security and knowledge. The purpose of this study is to show that despite the subject of social capital literature is not very long history in the West, the index of social capital in the holy Quran and hence the issues and indicators of social capital for very nearly the Muslims and Iranians is not unknown. Quranic teachings emphasized on the role and importance of different indicators of social capital in welfare of societies. In this paper, 25 indicators for social capital using the teachings of the Holy Quran has been identified and discussed.

Keywords: Holy Quran, Social capital, social capital indicators, welfare